

## اطلاقات رضاع

به مناسبت بحث اشتراط حیات در مرضعه به بررسی اطلاقات باب رضاع پرداختیم و نتیجه آن این شد که آیه شریفه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» و هم چنین روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» نسبت به قیود محل بحث مثل عدد و حیات و ... اطلاق ندارند. البته آیه شریفه در فرض تحقق عنوان مادر رضاعی نسبت به شرایط و قیود اطلاق دارد و مفاد آن این است که مادر رضاعی محرم است مطلقا و نافی سایر قیود است و لذا ادله‌ای که مفاد آنها این است که شیر باید ناشی از بارداری و ولادت باشد یا ناشی از ازدواج باشد و ... مقید این اطلاق خواهند بود. همان طور که آیه در سایر عناوین هم اطلاق دارد لذا آیه اطلاق دلالت می‌کند که ازدواج شخص با دخترش حرام است چه دختر ناشی از نکاح باشد یا زنا. یا ازدواج با مادر حرام است چه مادر نکاح باشد یا زنا و ...

در ابتدای بحث گفتیم ممکن است اشکال شود که تفسیر آیه به این صورت مستلزم لغویت خواهد بود چرا که اگر معیار دیگری برای نشر حرمت با رضاع وجود دارد (که ما هم انبات لحم و شدّ عظم را پذیرفتیم هر چند عدد یعنی پانزده مرتبه یا ده مرتبه و زمان یعنی یک شبانه روز را نپذیرفتیم) که قبل از صدق عنوان «مادر رضاعی» محقق می‌شود آیه لغو خواهد شد. به تعبیر دیگر تحقق عنوان مادر رضاعی حتما مستلزم تحقق عنوان روییدن گوشت و محکم شدن استخوان هست و اگر انبات لحم و شدّ عظم برای نشر حرمت کافی باشد قرار دادن مادر رضاعی به عنوان ضابطه برای نشر محرمیت لغو خواهد بود.

به نظر ما این اشکال هم وارد نیست و برای حل این اشکال دو جواب قابل بیان است:

اول: نسبت بین نشر حرمت با عنوان «مادر رضاعی» و نشر حرمت با عنوان «انبات لحم و شدّ عظم» عموم و خصوص من وجه است یعنی این طور نیست که هر گاه عنوان «مادر رضاعی» محقق شود حتما عنوان «انبات لحم و شدّ عظم» محقق شود بلکه ممکن است عنوان «مادر رضاعی» محقق شود در عین اینکه عنوان روییدن گوشت و محکم شدن استخوان محقق نشود مثلا معمولا بچه در اواخر دوران شیرخوارگی مثلا حدود بیست و دو ماهگی نیازی به شیر ندارد و شیر هم در رشد او تأثیری ندارد و اگر زنی بچه را دو ماه در این ایام شیر بدهد (که مثلا شاید روزی سه چهار مرتبه باشد) عنوان مادر رضاعی محقق می‌شود در حالی که انبات لحم و شدّ عظم از این شیر خوردن اتفاق نمی‌افتد. و عکس آن هم واضح است یعنی انبات لحم و شدّ عظم محقق شود در حالی که عنوان «مادر رضاعی» محقق نشود.

دوم: روایات نشر حرمت با انبات لحم و شدّ عظم و آیه ممکن است از قبیل تدرج در تشریح یا تدرج در بیان حکم باشند. یعنی بنابر مصالحی قرآن ابتداء مادر رضاعی را حرام دانسته است و بعد حرمت مرضعه‌ای که از شیرش گوشت روییده و استخوان محکم شده هم تشریح شده است یا بعدا ائمه علیهم السلام آن را بیان کرده‌اند. همان طور که قرآن خمر را حرام کرده است و بعد در سنت هر مسکری حرام شده است و این در روایات مورد تصریح قرار گرفته است و حتی خمر هم به تدریج حرام شده است. لذا حتی اگر نسبت

دو عنوان «مادر رضاعی» و «انبات لحم و شدّ عظم» عموم و خصوص مطلق هم باشد باز هم تفسیر آیه شریفه به بیانی که ذکر کردیم لغو نیست.

خلاصه تمسک مکرر علماء به اطلاق آیه برای نفی شروط و قیود در موارد شک ناتمام است.

آیا غیر از این آیه و روایات، دلیل دیگری که نسبت به این امور اطلاق داشته باشد به نحوی که هر شرطی تقیید آن باشد وجود دارد؟

ممکن است گفته شود ادله‌ای که مفاد آنها این بود که روییدن گوشت و محکم شدن استخوان موجب نشر حرمت است، اطلاق دارد به نحوی که ادله اشتراط بارداری و ولادت و ... تقیید آن باشند اما این روایات هم نسبت به مواردی مثل عدد اطلاق ندارند علاوه که اصل شکل گیری اطلاق در این روایات هم واضح نیست چون در این روایات نگفته است هر شیری که موجب محکم شدن استخوان و روییدن گوشت بشود موجب نشر حرمت است بلکه روایات در مقام نفی غیر بودند و اینکه شیر دادن موجب نشر حرمت نمی‌شود مگر اینکه موجب انبات لحم و شدّ عظم باشد. بنابراین این روایات در مقام بیان نفی نشر حرمت با عدد و ... است و اینکه کمیت شیری که موجب نشر حرمت می‌شود چقدر است و در مقام بیان این نیست که این مقدار کمیت باید با چه شرایطی باشد تا اطلاق داشته باشد.

دلیل دیگری که اطلاق آن بعید نیست روایت معتبر برید عجلی است که توضیح آن خواهد آمد.